

وحدت آفرینی سردار شوشتری به روایت هم سنگران

مسیح بلوچستان

گروه جامعه
گزارش روز
زهرآ شریعتی- برخی معتقدند وحدت ملت که در همه ابعاد، امری ضروری برای امنیت‌و آرامش وپیشرفت کشور است، صرفا از طریق تقویت نیروهای نظامی وورود مستقیم آنان قابل تحقق است، در حالی که تجربه تاریخی از صدر اسلام تاکنون نشان می دهد این شیوه، افزون بر هزینه های زیاد مادی و معنوی، در تأمین امنیت پایدار چندان اثربخش نیست و در این زمینه نیز همچون سایر مقوله های اجتماعی، حضور و مشارکت مردم حرف اول را می زند. یکی از شخصیت های فعال و اثرگذار دوران پس از انقلاب اسلامی که این مدعا را به نیکی به اثبات رساند، سردار نورعلی شوشتری است که سال ۸۸در همین مسیر به مقام شهادت نائل آمد. در این گزارش از زبان هم سنگران شهید، با اقدامات او در راستای وحدت و امنیت از طریق جلب مشارکت مردم بیشتر آشنا می شویم.

- جوانانی که کلاه عبدالملک بر سر می گذاشتند، علیه او ایستادند**

محسن اکبری، دبیر ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر سیستان و بلوچستان، از نخستین روزهای حضور سردار شوشتری در این استان، به عنوان مشاور اقوام و طوایف با او همراه شده است، او که آن زمان فرماندهی سپاه زاهدان را بر عهده داشت، می گوید:

حدود دوسال ونیم پیش از شهادت سردار شوشتری، وقتی ایشان در برنامه ای برای بزرگان طوایف سیستان و بلوچستان سخنرانی می کرد، همکاری مان آغاز شد، حداقل شش روز هفته و هر روز سه چهار ساعت با هم بودیم و درباره طوایف و ایلات استان همفکری می کردیم.

به گفته اکبری، اعتقاد شهید شوشتری این بود که اگر بخواهیم با استقرار یگان های نظامی در استان امنیت را برقرار کنیم، هم هز ننه بر است و هم نمی توان امنیت کامل را برقرار کرد، اما اگر مردم خودشان در تأمین امنیت دخیل شوند، دلسوزانه برای

امنیت استان و کشورشان اقدام می کنند. بر همین اساس در شرایطی که برخی جوانان آن قدر تحت تأثیر عبدالملاک ربکی بودند که کلاه اورا بر سر می گذاشتند، با سران طوایف دیدارها و صحبت های متعدد می کرد مبنی بر اینکه برای حفظ امنیت پای کار بیایند و به حدی موفق عمل کرد که همان جوانان حامی عبدالملاک، مدافع نظام شدند و مقابل اشارر ایستادند.

- مسلمان بودن برایش مهم بود، نه تفاوت مذهب** فرمانده اسبق سپاه زاهدان در باره رویکرد شهید شوشتری در ایجاد وحدت می گوید: دلسوز همه بود، اعم از شیعه و سنی و برایش مسلمان و ایرانی بودن مردم مهم بود، نه تفاوت های مذهبی، می گفت «نگاهتان به مردم، از دیدگاه مذهبی نباشد. هم شیعه هم سنی، وفادار و حامی انقلاب، رهبری و نظام هستند و باید روی این اشتراکات تمرکز کرد.» یکی از روزهای ماه مبارک رمضان به من

و شهید محمدزاده گفت «امروز بروید پیش خانواده افطار کنید»، اما بعد از افطار تلفن زد و خواست که با شهید محمدزاده برگردیم آنجا. وقتی رسیدیم، مشغول دعا و مناجات بود، بعد پرسید «هر طایفه (در درگیری های قبیله ای با اعدام های مواد مخدر و...) چقدر کشته داشته است؟» پاسخ دادیم، بعد گفت «زن و بچه و خانواده این ها چه گناهی دارند که به آن ها رسیدگی نمی شود؟ چه کرده اید که تحت پوشش کمک های نظام قرار بگیرند و به سرنوشت پدران و همسرانشان دچار نشوند؟» فردای آن روز با بزرگان طوایف صحبت کردیم و در منطقه ای حساس با حضور ۴۰تن از سران جلسه ای گذاشتیم و شهید شوشتری بیش از چهار ساعت ضمن سخنانی به آن ها یادآور شد که «از بزرگی فقط یاد گرفته ایم به خودمان خدمت کنیم، پس هم طایفه ای هایمان چه می شوند؟ چرا به خانواده های بی بضاعت یا بی سرپرست رسیدگی نمی کنیم؟» در پایان هم گفت «دلم می خواهید عید فطر برای همه خانواده ها

ارزاق ببرید و دلجویی کنید»،

- رمز امنیت در حضور و مشارکت مردم و وحدت آن هاست** او اضافه می کند: سردار شوشتری رمز امنیت در سیستان و بلوچستان را، اول حضور مردم در صحنه و بعد وحدت آن ها می دانست که ثمرات متعددی از جمله رشد و رفع محرومیت استان در پی داشت، یادم هست بنا بود با حضور حدود ۲۵هزار نفر، جلسه ای در دانشگاه زابل برگزار کنیم که شاید تا آن زمان بزرگ ترین جلسه طوایف شیعه و سنی در کنار هم بود و مخالفان بسیاری داشت اما شهید شوشتری تأکید داشت که حتما برگزار شود و مدام تکرار می کرد این گونه محافل، لازمه رمز وحدت شیعه و سنی است.

رسیدگی به محرومان

- اکبری در ادامه، رسیدگی به محرومان را از دیگر اقدامات مؤثر شهید شوشتری در راستای وحدت مردم معرفی می کند و می گوید:** به خانواده های بی سرپرست فارغ از اینکه شیعه یا سنی باشند،

به مناسبت سالروز شهادی وحدت



سر می زد و نیازهایشان را می پرسید. در یکی از این دیدارها از خانم خانواده پرسیده بود چه درخواستی دارد. آن خانم پاسخ داده بود این که خیاطی یاد بگیرد و یک چرخ خیاطی که با آن امرار معاش کنند. شهید به پنهانی صورت اشک ریخت و گفت «بینداین مردم چقدر قانع و به حداقل ها راضی هستند!» بعد هم دستور داد کارگاه خیاطی راه اندازی شود تا بتوانان بی سرپرست آموزش ببینند و مشغول کار شوند.

- شوشتری به ما هویت داد**

همکار شهید شوشتری در توصیف محبوبیت شهید نزد مردم می گوید: سردار در قلب همه نفوذ پیدا کرده و قلب ها را رهبری می کرد و لقب «پدر وحدت سیستان و بلوچستان» به راستی برازنده اش بود. بعد از شهادت، بزرگان طوایف اهل سنت به دفتر من می آمدند، سرشان را به میز می کوبیدند گریه می کردند و می گفتند «پدری را از دست دادیم که به ما هویت داد و خدمت کرد.» با اینکه تمام مدت حضور سردار شوشتری در سیستان و بلوچستان تا شهادتش، شاید به دوسال هم نرسید، به اندازه عمر انقلاب در وحدت و عزت مردم استان تأثیر گذاشت.

- برای جوان ها وقت بگذارد**

اکبری یادآور می شود: او علاوه بر خدمات اجتماعی و وحدت آفرین، معلم اخلاقمان نیز بود، سال ۸۸و در غائله فتنه، به خانه من آمد و فقط دوساعت با پسر جوانم صحبت و عقیه هر یک از کاندیداها را برایش مشخص کرد. موقع رفتن هم تأکید کرد «برای جوان هایتان وقت بگذارد.» نمونه دیگر اینکه روز میلاد حضرت زهرا^(ع) بود که هنگام غروب از مرز برگشتیم و بعد از نماز از شهید پرسیدم «بروم منزل؟» گفت «می دانی امروز چه روزی بود؟» گفتیم: «روز ولادت حضرت زهرا^(ع)». پرسید: «چیزی برای همسرت خریده ای؟» پاسخ منفی دادم. رفت یک سکه آورد و گفت «این به من هدیه شده، من هم به شما هدیه می دهم تا روز عید دست خالی به خانه نروی. یک شاخه گل هم بگیر و آن را به همسرت هدیه کن که در نبود شما صبوری می کند تا شما با خیال آسوده اینجا خدمت کنید.»

- مسیح بلوچستان بود**



و حتی حاکمیتی بوده است که نتایج نشان می دهد به لطف خدا طی هشت سال گذشته، پیشرفت خوبی داشته ایم؛ همچنین از آنجا که مبتنی بر مبانی انقلاب اسلامی پیش رفته ایم، بدون عقب نشینی از مواضع خود توانسته ایم صداقتمان را به مذاهب اثبات کنیم و تغییر نگرششان را که بعضا تا آگاهانه مطابق تشیع انگلیسی و سایر فرقه های انحرافی بود، شاهد هستیم.»

- تربیت نیرو با نگاه جهانی انقلاب اسلامی**

این فعال اجتماعی با طرح این پیشنهاد که دستگاه های مسئول در حوزه وحدت، بودجه هایشان را از هزینه در برنامه های نمادین، به اقدامات مؤثر سوق دهند، یادآوری می کند: یکی دیگر از جاهایی که در داخل و خارج کشور از آن ضربه می خوریم و باعث شده در قبال هزینه کرد نظام در حوزه وحدت، اثرگذاری نداشته باشیم، تصورات و برچسب های نادرستی است که در اثر شناخت نداشتن واقعی از کشورهای همسایه (مانند پاکستان که به مهد تروریست ها شناخته می شود) ایجاد شده و ما را از استفاده از فرصت های همبستگی با آنان محروم کرده است. بر این اساس، اولویت دوم ما از یک سو، شناخت



چرا حزب اللهی باید دغدغه وحدت داشته باشد؟

شاید یکی از غفلت های مهم جریان حزب اللهی در فضای انقلاب اسلامی، بی توجهی به موضوع وحدت اسلامی باشد. به نظر می رسد دیگر زمان آن رسیده است که جریان حزب اللهی از منظر تمدنی به مسئله وحدت اسلامی و نقش قدرت آفرین آن نگاه کند و این فرصت مهم تاریخی را از دست ندهد.

چنین فرصتی به برکت انقلاب اسلامی در اختیار همه معتقدان به این انقلاب قرار گرفته و حیث است که چنین فرصتی از دست برود. در این گفتار کوتاه به این سؤال مهم پاسخ داده می شود که چرا جریان حزب اللهی کشور از وحدت اسلامی غفلت کرده است؟

به این سؤال مهم که «چرا حزب اللهی باید دغدغه وحدت داشته باشد؟» می توان پاسخ های متنوعی داد، مثلا می توان گفت: چون حزب اللهی «معتقد به قرآن است» و توضیح داد که «ولا تنازعوا فتشولا و تذنب ریخکم»، و «واغتصبوا یختل اللّٰهُ خیمفا ولا تفرّقوا»، آیا این آیات کافی نیست برای اثبات اصل محوری و اساسی وحدت؟ آیا اینکه قرآن می گوید اگر اختلاف کنید، ضعیف می شوید و ابهت و اقتدارتان را از دست می دهید، به چشم خودمان ندیده ایم!

می توان گفت: چون حزب اللهی «پیرو اهل بیت^(ع) است» و توضیح داد که «صلوا فی عشاثرهم، و اشهدوا جنازتهم، و عودوا مرضاهم، و رحمّ الله عبدا خبتنا الی الناس و لم یغضنا لیهم» و «کوئوا لنا زینّا و لا تکتوئوا علینا شیئا». این ها دستورات مستقیم اهل بیت^(ع) در قبال نوع رفتار با اهل سنت است و بر همین مناسبت که مجتهدان و مراجع شیعه حکم به تعامل با مسلمین داده اند. کیست که بتواند منکر رفتارهای محبت آمیز ائمه^(ع) با اهل سنت شود و تقویت اسلام را که مهم ترین دغدغه ایشان بود، به راحتی زیر پا بگذارد؟

می توان گفت: چون حزب اللهی «فرزند انقلاب امام^(ع) است» و توضیح داد که امام^(ع) همیشه تأکید می کردند در جمهوری اسلامی همه برادران سنی و شیعه در کنار هم و با هم برادر و در حقوق مساوی هستند و هر کس خلاف این را تبلیغ کند، خائن به اسلام و ایران است.

می توان گفت: چون حزب اللهی «تابع ولایت است» و توضیح داد که مسلمان ها باید با هر عامل مخالف وحدت و ضدوحدت مقابله کنند. این یک تکلیف بزرگ برای همه ماست، هر گفته و عملی که موجب برافروختن آتش اختلاف میان مسلمانان و نیز اهانت به مقدسات هر یک از گروه های مسلمان یا تکفیر یکی از مذاهب اسلامی باشد، خدمت به اردوگاه کفر و شرک و خیانت به اسلام و حرام شرعی است. آیا اینکه رهبر انقلاب بیش از ۷۰بار در این سه چهار سال بر مسئله وحدت تأکید کرده اند، برای ما کافی نیست؟

می توان گفت: چون حزب اللهی «تجربه تاریخی دارد» و توضیح داد که هنوز صدسال از تجربه تلخ جنگ جهانی اول نگذشته است، همان ایامی که علمای بزرگ شیعه، حکم وجوب دفاع از عثمانی را صادر کردند، نه به این دلیل که اشکالی در او نمی دیدند، بلکه می دانستند وقتی قدرت اسلامی از بین برود، در پایتخت بزرگ ترین امپراتوری سنی مذهب جهان یعنی استانبول همان رخ می دهد که در پایتخت بزرگ ترین امپراتوری شیعی مذهب جهان یعنی تهران رخ داد و حجاب زن مسلمان نیز ممنوع گشت.

می توان گفت: چون حزب اللهی «دغدغه جهانی دارد» و توضیح داد که هر کس دغدغه صدور انقلاب را داشته باشد، به خوبی متوجه است که شیعه در جهان اسلام اقلیت است و بدون داشتن نگاهی کاملا وحدت گرایانه، اساسا تقویت عزت و قدرت مسلمین در راستای تشکیل تمدن نوین اسلامی، نشدنی است! واضح است که نمی توان صرفا به محدوده شیعیان متکی بود و دم از قدرت مقابله با بر قدرت های اقتصادی، سیاسی، رسانه ای و فرهنگی جهان زد.

- حزب اللهی، فرزند زمان خودش است**

اما آنچه در این مجال به شرح مختصر آن خواهیم پرداخت، این پاسخ است که چون حزب اللهی «فرزند زمان خودش است»، یعنی «اهل بصیرت» است و این کافی است برای اینکه یکی از دغدغه های مهم امروز هر حزب اللهی در هر جای جهان و به ویژه جهان اسلام، مسئله وحدت میان مسلمین باشد. اگر رهبر معظم انقلاب نمی فرمودند: «امروز یکی از خطرناک ترین چیزهایی که نهضت بیداری اسلامی را تهدید می کند، اختلاف افکنی و تبدیل این نهضت ها به معارضه های خونین فرقه ای و مذهبی و قومی و ملی است. این توطئه هم اکنون از سوی سرویس های جاسوسی غرب و صهیونیزم، با کمک دلارهای نفتی و سیاست مداران خودفرورخته، از شرق آسیا تا شمال آفریقا و به ویژه در منطقه عربی، با جد و اهتمام دنبال می شود، و... باز هم ما امکان تحلیل «امروز» را داریم و دیگر کسی نمانده است که از کشتار میان مسلمین و برگرداندن ورق پیروزی ها و موفقیت های مردمان مسلمان در سرنگون کردن «دیکتاتوری های وابسته»، به سوی ایجاد درگیری های داخلی، مطلع نباشد.

- دیوار ترس شکسته است**

حالا چند سال است که تئیر اخبار روزانه مان، کشتار مسلمانان در کشوری که تا دیروز امن بود، شده است و اگر کسی ذره ای فرزند زمان خودش باشد، از خود سؤال می کند که چرا امروز وضعیت این چنین است؟ چرا باید در این سال های اخیر، ده ها شبکه ماهواره ای به اسم شیعه و سنی از اروپا و آمریکا مورد حمایت قرار گیرند و به نفرت پراکنی میان مسلمانان بپردازند؟ چرا حالا که مردمان بیدار شده و دیوار ترس را شکسته اند و حکام وابسته شان را کتار زده اند، برای همه مهم شده که چه کسی شیعه است و چه کسی سنی! آیا نه این است که ما در یک «پیچ تاریخی» حساس قرار داریم و اگر دشمن بیدار با بگذارد و می گذاشت که حرکت های مردمی اسلام خواهانه موسوم به «بیداری اسلامی» به سرانجام برسند، برای اولین بار بعد از جنگ جهانی اول، به تدریج دست نفوذ قدرت های غارتگر از جان و مال و ناموس مسلمانان قطع شده و راهی که مردم ایران، چهار دهه قبل شروع کردند، برای چند ملت مسلمان دیگر منطقه نیز آغاز می شد.

- زمان آن رسیده است که...**

اگر چنین فرایندهایی آغاز می شد، اولین متضرران آن کیستند؟ بازاریاهای جوامع اسلامی و اموال آنان که در اختیار شرکت های غول پیکر غربی است، ۱۰سال دیگر در اختیار مسلمانان خواهد بود. اولین کسانی که در آینده نزدیک باید از این دیار رخت برپندند، غربی هایی هستند که با بحران های اقتصادی مختلفی مواجه اند و چه بسا تحمل چنین شوک هایی را تاب نیاورند و... آیا زمان آن فرا نرسیده است که جریان حزب اللهی کشور از منظر تمدنی به مسئله وحدت اسلامی و نقش قدرت آفرین آن بنگرد؟

شهریار

شاهرانews.ir
۳شنبه
۲۲ مهر ۱۴۰۱
شماره ۴۴۴
۱۳



جمله